



هوش مصنوعی چه تحولی در فقه و اصول ایجاد می‌کند؟

پدیدآورنده (ها) : صاعدرازی، محمد

اقتصاد :: همایش همایش ملی هوش مصنوعی و علوم اسلامی :: مجموعه مقالات همایش ملی هوش مصنوعی و علوم اسلامی (ملی)

صفحات : از ۴۶۷ تا ۴۸۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1795246>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۴/۰۹/۲۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- نقش هوش مصنوعی در توانمندسازی معلم و ایجاد فضای فراگیر یادگیری
- نقش هوش مصنوعی در ایجاد رضایتمندی و اعتماد به صنعت بیمه
- هوش مصنوعی به مثابه مال هوشمند؛ در فقه و حقوق ایران
- امکان سنجی تطبیق اصول فقه با الگوریتم های تصمیم گیری هوش مصنوعی در فقه معاملات نوین
- گردشگری رویداد، فقدان آینده‌نگری در بحران‌ها، چه مشکلاتی برای صنعت گردشگری ایجاد می‌کند و در پساکرونا چه برنامه‌های در صنعت گردشگری باید اجرا کرد؟
- فرصت ها و چالش های حکمرانی هوش مصنوعی در امتداد حیات اجتماعی فقه اسلامی در ایران افق ۱۴۱۴
- کاربرد هوش مصنوعی در فقه و حقوق
- نقش هوش مصنوعی در ایجاد خلاقیت و افزایش انگیزه یادگیری دانش آموزان
- هوش مصنوعی و آموزش نوین افق‌های تحولی در تعالی یادگیری
- نقش فناوری هوش مصنوعی در ایجاد رابطه بین آموزش و تربیت

هوش مصنوعی چه تحولی در فقه و اصول ایجاد می‌کند؟

محمد صاعدرازی

در حال اخذ سطح ۳ حوزه علمیه، ۳ سال درس خارج فقه و اصول

Mo.saedrazi@gmail.com

چکیده

با وجود پیشرفت‌های شایان فقه و اصول، همچنان ضعف‌هایی مانند: عدم توان جامع‌نگری و کیفی‌نگری، عدم رابطه وثیق اصول با فقه، در هم‌آمیختگی روش و محتوا و بریدگی استدلال‌ها، در آن دیده می‌شود. این ضعف‌ها، ضرورت استفاده از هوش مصنوعی را روشن می‌سازد. این مقاله به تبیین و توصیف خدمات هوش مصنوعی در حوزه فقه و اصول پرداخته است. خدماتی چون: گزارش‌دهی پیامدها و ناسازگاری‌ها، کشف رابطه‌ها و اعتبار و روش‌ها، جلوگیری از خطای تطبیقی و شبیه‌سازی. دقت و بررسی این خدمات جامعه فقیهان و اصولیان را به سمت پیاده‌سازی این ابزار قدرتمند به جهت سرعت‌دهی به پیشرفت علم و کیفیت آن، دعوت می‌کند. کلمات کلیدی: هوش مصنوعی، تحول در فقه و اصول، پیشرفت در علوم اسلامی، ضعف‌های فقه و اصول، Artificial Intelligence.

۱- مقدمه

هوش مصنوعی، هوش صناعی یا هوش ماشینی (Artificial Intelligence) به هوشی که یک ماشین در شرایط مختلف از خود نشان می‌دهد، گفته می‌شود. به عبارت دیگر، هوش مصنوعی به سیستم‌هایی گفته می‌شود که می‌توانند واکنش‌هایی مشابه رفتارهای هوشمند انسانی از جمله درک شرایط پیچیده، شبیه‌سازی فرایندهای تفکری و شیوه‌های استدلالی انسانی و پاسخ موفق به آنها، یادگیری و توانایی کسب دانش و استدلال برای حل مسایل را داشته باشند [1]. بیشتر نوشته‌ها و مقاله‌های مربوط به هوش مصنوعی، آن را به عنوان (دانش شناخت و طراحی عامل‌های هوشمند) تعریف کرده‌اند [2], [3].

دانش بشری، باتوجه به محدودیت‌های انسان در سیطره بر منابع، کشف ارتباط‌ها و سرعت و کمیت تحلیل‌ها، به سمت کامپیوترها روآورده است. کمک گرفتن از کامپیوترها با توجه به عدم محدودیتشان در آن امور، ایده مناسبی برای سرعت دهی به پیشرفت علوم و پایین آوردن میزان خطا در روند استنتاج است. امروزه این دانش در حوزه‌های مختلفی از جمله پزشکی، حقوق و ... به بشر خدمت می‌کند و هرروز در حال پیشرفت است. در این مرحله سؤالی به ذهن می‌رسد. آیا هوش مصنوعی به دانش اصول و فقه رایج نیز می‌تواند کمک کند؟ آیا می‌تواند سهمی در پیشرفت علوم دینی داشته باشد؟

از مجموعه دانش‌های علوم دینی، دانش فقه و اصول، پرمحتوا ترین دانش در علوم دینی است. از گذشته تا به حال، تمرکز اکثر علما و محل دقت و تأمل قاطبه آنها بر فقه و اصول بوده است. به همین جهت، سرعت پیشرفت آن و ایده‌پردازی در آن بیش از دیگر علوم دینی است. بررسی این

سرمایه عظیم، محقق را به وجود ضعف‌هایی در آن آگاه می‌سازد که ضرورت بکارگیری هوش مصنوعی در خلال آن روشن می‌شود. عملکرد علمای فقه و اصول، با وجود دقت‌های عمیق با چهار ضعف جدی مواجه است:

• عدم جامع‌نگری و کیفی‌نگری در منابع

باتوجه به گستره منابع استنباط، استفاده از همه آنها و بررسی و تحلیل آنها در هر مسئله‌ای از توان عادی یک فقیه و اصولی خارج است. به همین جهت، در عموم درس‌های خارج، از قدیم تا به حال، علما به نقد یکدیگر می‌پردازند؛ زیرا، در خلال این نقدها کم‌کم آن جامع‌نگری و کیفی‌نگری ایجاد می‌شود. امروزه، فقها، در اغلب موارد، برای حل هر مسئله فقهی، یک دور «وسائل الشیعه» نمی‌خوانند؛ زیرا چنین کاری عادتاً ممکن نیست و باعث می‌شود حل یک مسئله ماه‌ها زمان ببرد؛ بلکه روایات را تنها در باب‌های مناسب با آن مسئله بررسی کرده و در حد توان، به تتبع در کتب فقهی می‌پردازند. این امر در حالی است که معترفند ممکن است ادله‌ای در ابواب دیگر وجود داشته باشد [4، ج 1، ص 335]. همچنین، اضافه بر عدم جامع‌نگری، دغدغه کیفی‌نگری نیز وجود دارد. در معنا کردن روایات، عموماً دقت فقیه اگرچه زیاد است اما کافی نیست؛ زیرا امور متعددی همچون، بستر تحول تاریخی واژه‌ها، ارتکازات عمومی و حتی حالات و اعتقادات راویان احادیث، در معنا کردن روایت تأثیرگذار است. روشن است که یک فقیه نمی‌تواند برای معنا کردن هر روایت تمام مسیرها را بررسی کند. گرچه در طول زمان این جامع‌نگری و کیفی‌نگری ایجاد شده است و علما با نقدهایی که به یکدیگر کردند این مسیر را بیش از پیش جلو بردند؛ اما باید توجه داشت که این ضعف، به قیمت کندی پیشرفت علم تمام می‌شود. علما نیز به این ضعف واقف بودند؛ شاهد این مطلب پاسخشان در مقدار لازم در فحوص

است. یکی از مهمترین دلایل آنها بر عدم لزوم فحص کامل، عدم توان بر آن است [۵، ج ۴، ص ۴۲۸]، [۶، ص ۵۲۴]. اما سؤال این است که آیا امروزه نیز چنین است؟ آیا هوش مصنوعی نمی‌تواند چنین امری را میسر کند؟

• عدم ارتباط وثیق اصول با فقه

در علم اصول، که علمی آلی و روشی است، موضع‌گیری خاصی صورت می‌گیرد که توقع می‌رود در فقه مطابق آن عمل شود. اما وقتی در فقه مورد کاربرد آن می‌رسد، گاهی خلاف آن عمل می‌شود. به عنوان مثال، آیت الله خوئی^۳ در بحث اصولی مفهوم وصف، به مفهوم وصف فی الجمله معتقدند [۵، ج ۴، ص ۲۷۸]؛ اما در فقه، ذیل بحث اعتبار استقبال قبله در حال حَضَر، در موردی که تطبیق مفهوم وصف فی الجمله است، می‌فرمایند: وصف، مفهوم ندارد؛ مخصوصاً اگر قید غالبی باشد [۴، ج ۱۲، ص ۲۹]. منشأ این نوع اشتباه‌ها یا در تطبیق است یا در اینکه خصوصیتی در این مثال هست که در هنگام تدوین قاعده اصولی به آن خصوصیت متوجه نبودند. به همین جهت، جای خالی یک نوع ارتباط مستقیم برای فقیه، بین فقه و اصول احساس می‌شود. سؤال این است که آیا هوش مصنوعی می‌تواند چنین ارتباطی ایجاد کند؟

• درهم‌آمیختگی روش و محتوا

اجتهاد، چیزی جز قدرتی کامل در بکارگیری روش استنباط نیست. برای فهم انواع روش استنباط، تفاوت‌ها و مقایسه‌ها، به کجا باید رجوع کرد؟ به کجا باید رجوع کرد تا آن را فهمید و سپس اتخاذ مبنا کرده، در بکارگیری آن تمرین کرد و چیره شد؟ پاسخ این سؤال، در حال حاضر، «هیچ جا» می‌باشد؛ زیرا، روش فنی استنباط در لای به لای فقه آمده است. تفاوت روش استنباطی شهید صدر با آیت الله خوئی^۳ زمانی معلوم می‌شود که بخش مفصلی از

فقه‌شان خوانده شود و چون عموماً چنین امری میسر نیست، اکثر افراد به مبانی و روش‌های استنباط تمام علما مسلط نیستند. لازم به ذکر است که می‌توان با فعالیت‌های پژوهشی کتاب‌هایی در تفاوت روش فقها تدوین کرد؛ اما سؤال این است که آیا راه سریع‌تری وجود دارد؟

این خلاً، نه تنها از جهت آموزشی آسیب‌های جدی وارد می‌کند، بلکه از جهت فهمی و درکی نیز آسیب زاست. تفسیر عبارت‌های علما با سیطره بر روش و طرز تفکر آنها عمیق می‌شود. به عنوان مثال، اصطلاح جعل و مجعول، در کاربرد علما نزدیک به سه اصطلاح داشته و ریشه در تفسیر آنها در مراحل تحقق حکم دارد. (تفاوت‌ها را در این آدرس‌ها می‌توان ملاحظه کرد: [7، ج 2، ص 160]، [8، 4، قسم 1، ص 161]، [9، ج 1، ص 105]). چنین مطلبی که بسیار در فهم احکامی که برای جعل و مجعول گفته می‌شود به کار می‌آید، در حال حاضر تنها در صورتی به دست می‌آید که محقق زمان زیادی صرف مطالعه آنها کرده و در معماهای مختلف دست و پا بزند. سؤال این است که آیا هوش مصنوعی می‌تواند چنین خلئی را برطرف کرده و تفکیک روش از محتوا و مقایسه را ممکن کند؟

• بریدگی استدلال‌ها

بسیاری از استدلال‌هایی که در کتاب‌های تحقیقی بیان می‌شود، با حذف مقدمات است. کمتر کتابی مانند کتاب‌های آیت الله خوئی^{۹۰}، تقریری سلیس دارد و در آن، تمام مسیر طی شده برای رسیدن به مطلوب بیان می‌شود. حتی در کتاب‌های آیت الله خوئی^{۹۱} بعضی از استدلال‌ها به صورت کامل بیان نشده است. علت چنین امری، وضوح این مقدمات برای گوینده است. اما همین مراحل بیان نشده، گاهی دقت‌هایی دارد که نسل‌های بعد استدلال‌ها را باز کرده و از زاویه همان مقدماتی که بیان نشده است اشکال می‌کنند. آیا هوش

مصنوعی می‌تواند بازسازی استدلال کند و حدس بزند فلان عالم طبق مبانی خودش، قاعدتاً برای رسیدن به چنین مطلوبی باید چه مقدماتی را طی کرده باشد؟

هوش مصنوعی، اگر بتواند این خلأها را پر کند، خدمت بزرگی در راستای سرعت، کمیت و کیفیت پیشرفت کرده‌است و همچنین می‌تواند آموزش و انتقال و تبادل علم را به شدت سهولت بخشیده و زمان آن را کوتاه کند. این مقاله، در صدد تبیین و توصیف خدمات هوش مصنوعی است تا در ضمن آن، چگونگی پر شدن خلأها توسط هوش مصنوعی روشن گردد.

۲- خدمات هوش مصنوعی

گزارش پیامدها

پیامدهای اتخاذ یا تغییر یک مبنا، یکی از مهمترین نیازهایی است که توسط هوش مصنوعی برطرف می‌شود. گاهی تغییر در یک مبنا اصولی موجب تغییر مستقیم در دیگر مبانی اصولی و فقهی یا تغییر غیر مستقیم در فتاوی فقهی می‌شود. به عنوان مثال، مبناي مرحوم نائینی و آیت الله خوئی^۱ در بحث منشأ فهم وجوب از ماده و صیغه امر، حکم عقل است. شهید صدر که در طبقه شاگردان ایشان است، پس از گذشت چندین سال، پیامد نظریه ایشان را اینگونه بیان می‌کند: «نتایجی بر این مبنا بار می‌شود که عادتاً فقیهی به آن ملتزم نیست: ۱- اگر خطابی امر به اکرام فقیه کند مثلاً «اکرم الفقیه» و خطاب دیگر وارد شود: «لأبأس باکرام الفقیه» طبق این مبنا بین دو خطاب، تنافی نیست؛ بلکه منافات بین حکم عقل و خطاب ترخیصی است و از آنجا که حکم عقل، تعلیقی است -معلق بر عدم ورود ترخیص در ترک است- حکم عقل کنار می‌رود... ۲- اگر در وجود خطاب منفصل ترخیصی، شک شود، لازم می‌آید امتثال خطاب امر واجب نباشد؛ زیرا، اگر

حکم عقل، متوقف بر عدم وجود مخصص منفصل است که مطلوب ما ثابت است؛ زیرا در صورت شک، عدم وجوب لازم می‌آید و اگر متوقف بر عدم علم به مخصص منفصل است، دیگر مشترک بین عالم و جاهل نیست و حکم ظاهری می‌شود و حکم ظاهری از محل نزاع خارج است. [10، ج ۲، ص ۲۰]. همچنین در بحث کنارگذاری احادیث مخالف با قرآن، باید دقت شود که وجوب به دست آمده از ماده و هیئت امر، مفاد قرآن نیست بلکه لازمه عقلی آن است.

باتوجه به تعریف هوش مصنوعی که در مقدمه گذشت، هوش مصنوعی می‌تواند، این پیامدهایی را که پس از گذشت چندین سال بیان شده است در کسری از ثانیه در اختیار مرحوم نائینی و آیت الله خوئی قرار دهد. اگر ایشان در آن زمان ناظر به این پیامدها صحبت می‌کردند و اگر نقدی داشتند بیان می‌کردند، این بحث یک گام جلوتر بود. شاید سؤال باشد که چگونه هوش مصنوعی می‌تواند چنین پیامدی را گزارش دهد؟ پاسخ این است که هوش مصنوعی را می‌توان به گونه‌ای طراحی کرد که هنگام تغییر مبنا یا اتخاذ مبنا، تمام فرایندهای باب تعارض و تطبیقاتی که تا به حال داده شده است را مجدد بپیماید و گزارش دهد در کدام مورد تغییر نتیجه رخ داده است.

گزارش ناسازگاری‌ها

آنچه در روش نقد علما معروف است، دو دستگی اشکالات به اشکالات نقضی و حلی است. ناسازگاری‌ها، همان اشکالات نقضی هستند. هنگام اتخاذ مبنا یا تغییر یک مبنا، هوش مصنوعی می‌تواند مجموعه‌ای از اشکالات نقضی که به محقق وارد می‌شود را بیان کند. چگونه هوش مصنوعی می‌تواند این کار را بکند؟ پاسخ این است که پس از کشف پیامد نظریه جدید - که در مورد قبل بیان شد-، به بررسی مبانی یا فتاوایی می‌گردد که پیامد آنها با پیامد

جدید ناسازگار باشد و آنها را برای محقق لیست می‌کند. به این صورت، مجموعه‌ای از اشکالات نقضی طراحی می‌شود. در حال حاضر، اشکالات نقضی گاهی با فاصله چند عصر به محقق وارد می‌شود. اگر محقق، هنگام تحقیق بر آنها واقف شود، چه میزان در سرعت پیشرفت علم تأثیر دارد؟

کشف رابطه‌ها

یکی از مهمترین گام‌ها در استدلال، کشف رابطه‌های بین محتواها است؛ مانند اینکه محتوای الف می‌تواند علتی برای محتوای ب باشد، محتوای ج متوقف بر محتوای الف است، محتوای د هر حکمی داشته باشد محتوای ه نیز همان را دارا است و باتوجه به تعریف هوش مصنوعی که در مقدمه گذشت، اگر به هوش مصنوعی گفته شود، محتوای الف مثلاً روایات کتاب «کافی»، علتی برای محتوای ب مثلاً محتوای کتاب «العروه الوثقی» است و سیستم فهم زبان عربی بر روی آن نصب شود، به آسانی و با سرعت، می‌تواند کتاب کافی را مطالعه کند، محتوایی که با محتوای کتاب عروه ناسازگاری دارد در یک لیست و محتواهایی را که کمال سازگاری را دارد در یک لیست تحویل دهد. چنین کاری را درون یک کتاب یا به صورت مقایسه‌ای بین چند کتاب نیز می‌توان انجام داد. مثال مذکور، تنها در مورد رابطه علیت بود. اما همین امر در دیگر روابط منطقی، مانند توقف و عینیت و ... نیز کارایی دارد.

کشف اعتبار

هر روشی از مجموعه فرایندها و الگوریتم‌ها تشکیل می‌شود. به عنوان مثال، وقتی با وجود اماره به اصل عملی تمسک شود، یک خطای روشی رخ داده است و چنین استنباطی اعتبار ندارد؛ زیرا جایگاه استفاده از اصل عملی در صورت نبود اماره است. شاید به نظر برسد تشخیص چنین امری ساده

باشد، اما هرچه فرایند پیچیده تر و تو در تو شود، تشخیص، سخت‌تر می‌شود و خطای روشی بالا می‌رود. عملیات استنباط با توجه به اینکه با فرایندهای مختلفی در ارتباط است؛ مانند مفهوم‌شناسی، بسترشناسی، انصراف‌شناسی، بررسی تعارض، بررسی قرائن ارتکازی و ...، دچار پیچیدگی‌های زیادی است. اما پیچیدگی تنها برای ذهن انسان مشکل‌زا است؛ اما برای هوش مصنوعی یک هزار راه با تک راه تفاوتی ندارد و همه را به همان دقت طی می‌کند. با توجه به تعریف هوش مصنوعی که در مقدمه گذشت، خدمتی که هوش مصنوعی در این حوزه می‌تواند انجام دهد، این است که عملیات استنباط محقق را بررسی کرده و نشان دهد چه نوع خطاهای روشی داشته و مسیر صحیحش چیست.

کشف روش و تفکیک آن از محتوا

مرز تفاوت اجتهاد علما، در ریزه کاری‌های روشی آن‌هاست نه در کلیات. به همین جهت، آگاهی بر این روش‌ها محقق را با طریقه اجتهاد آشنا می‌کند. به عنوان مثال، در جریان قواعد باب تزاحم، مرحوم آخوند، احراز ملاک در طرفین را لازم دانسته و تزاحم را نوعی تعارض دو مقتضی تبیین می‌کند [۱۱، ص ۱۷۵]؛ اما در مقابل، علمایی چون آیت الله خوئی^۲ و شهید صدر، تزاحم را از تعارض خارج دانسته و نوعی تقیید اطلاق دلیل یا دلیلین تبیین می‌کنند. [۹، ج ۱ ص ۱۸۲، [۱۲، ج ۲ ص ۲۲۱]. بنابراین، در روش اجتهادی مرحوم آخوند، قبل از بکارگیری تزاحم، باید وجود مقتضی در طرفین را اثبات کرد؛ اما چنین مرحله‌ای در روش آیت الله خوئی^۲ یا شهید صدر وجود ندارد.

با توجه به تعریف هوش مصنوعی که در مقدمه گذشت، هوش مصنوعی در این حوزه از دو جهت مفید است: ۱- روشی را که محقق در طول تحقیق به صورت ناخودآگاه در فتاوای خودش پیموده، از محتوا جدا کرده و به صورت

روشی به او تحویل دهد. ۲- تفاوت روش‌های افراد را به صورت مقایسه‌ای نشان دهد. به عنوان مثال، نشان می‌دهد فرایندی که مرحوم آخوند، برای اعمال قواعد تراحم، طی می‌کند در چند نقطه با فرایندی که آیت الله خوئی^۳ طی می‌کند متفاوت است.

لازم به ذکر است، این کارکرد، جدا از اثرهای علمی که دارد، اثرهای آموزشی بسیار مفیدی دارد. محصل، روش‌ها را همراه با مثال عملی و کاربردی آن در کمترین زمان ممکن به دست آورده و تمایز آن‌ها را مشاهده و تحلیل می‌کند.

جلوگیری از خطای تطبیقی

گاهی کلیات و مبانی در جای خود اخذ می‌شود؛ اما در مقام تطبیق، اشتباه صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، شیخ انصاری^۴ در بحث اصل مثبت، قائل به حجیت اصل مثبت در صورت خفاء واسطه است و علت آن را چنین می‌داند که عرف، حکم با واسطه خفی را، حکمی برای نفس مستصحب می‌داند [13، ج ۲ ص ۶۶۴]. بعد از ایشان، مرحوم نائینی و آیت الله خوئی^۵ به شدت کلام ایشان را نقد کردند. و خلاصه نقدشان این است که عرف، ابزاری است که برای تشخیص مفاهیم از آن استفاده می‌شود نه در تشخیص مصادیق. به همین جهت، اینکه عرف، حکم با واسطه خفی را مصداق حکم بی واسطه می‌داند ارزشی ندارد [7، ج ۲، ص ۱۵۹]، [14، ج ۴، ص ۴۹۴].

باتوجه به تعریف هوش مصنوعی که در مقدمه گذشت، هوش مصنوعی به سادگی از اینگونه خطاها جلوگیری می‌کند؛ زیرا می‌توان آن را به گونه‌ای طراحی کرد که وقتی محقق می‌خواهد به عرف استدلال کند، تمام شرایط تطبیق آن را در مورد بحث بررسی کند.

شبیه‌سازی

باتوجه به تعریف هوش مصنوعی که در مقدمه گذشت، یکی از قابلیت‌های

هوش مصنوعی، شبیه سازی تفکر افراد بر اساس مبانی آنهاست. هوش مصنوعی باتوجه به اطلاعاتی که از قبل در مورد روش استدلال علما به او داده شده است، می‌تواند جای آنها فکر کرده و استنتاج کند. به عنوان مثال، محقق می‌تواند مسئله واحدی را به او بدهد و از او بخواهد، خودش را جای آیت الله خوئی^{۱۲} گذاشته و مسئله را حل کند. همچنین، خود را جای شهید صدر گذاشته و مسئله را حل کند و ... این قابلیت، به ضمیمه قابلیت یادگیری هوش مصنوعی بسیار مفید خواهد بود. محقق مسیری را که هوش مصنوعی برای حل مسئله طی کرده بررسی می‌کند و خطاهایش را به او تذکر می‌دهد. هوش مصنوعی بار دیگر این خطا را مرتکب نمی‌شود. این امر باعث می‌شود که هوش مصنوعی بتواند شخصی سازی کند. به عنوان مثال، برداشت محقق از روش آیت الله خوئی غیر برداشت همکارش از روش آیت الله خوئی^{۱۳} است. با آزمون و خطایی که محقق نسبت به هوش مصنوعی انجام می‌دهد او را همگام با ذهن خودش می‌سازد و کاری می‌کند که او طبق برداشت او فکر کند. همچنین محقق می‌تواند شخصی مثل خودش را شبیه سازی کند و به هوش مصنوعی بگوید اگر جای من بودی چگونه این مسئله را حل می‌کردی؟

نتیجه گیری

به نظر می‌رسد باتوجه به خدماتی که هوش مصنوعی می‌تواند در چهار حوزه گزارش دهی، کشف، جلوگیری و شبیه سازی انجام دهد، وقت آن رسیده است که مانند دیگر علوم، فقه و اصول نیز به ابزار هوش مصنوعی مجهز شود. به عمل پیوستن این مهم، نیازمند کاری گروهی و دسته جمعی است و بدون پیوستن دانشمندان درجه یک اسلامی به آن میسر نخواهد شد.

سپاسگزاری

از تمامی دوستانی که چنین بار سنگینی را بردوش گرفته و علم دار این

عرصه شدند کمال تشکر را دارم. امیدوارم در این مسیر ثابت قدم مانده و این امانت را به مسیر خودش بسپارند.

منابع

- [1] D. L. (David L. Poole, A. K. Mackworth, and R. Goebel, Computational intelligence : a logical approach. Oxford University Press, 1998.
- [2] N. J. Nilsson, Artificial Intelligence : a new synthesis. Morgan Kaufmann Publishers, 1998.
- [3] S. Legg and M. Hutter, "A Collection of Definitions of Intelligence," Jun. 2007, Accessed: Sep. 11, 2019. [Online]. Available: <http://arxiv.org/abs/0706.3639>.
- [۴] س. ا. خوئی، موسوعه الإمام الخوئی، اول. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، ۱۴۱۳.
- [۵] س. ا. خوئی، محاضرات فی اصول الفقه، اول. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
- [۶] م. شیخ انصاری، الفوائد الاصولیه، اول. تهران: شمس تبریزی، ۱۲۸۱.
- [۷] س. ا. خوئی، مصباح الاصول، پنجم. قم: کتاب فروشی داوری.
- [۸] ض. ا. عراقی، نهاییه الافکار فی مباحث الالفاظ، سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
- [۹] م. ح. نائینی، اجود التفریحات، اول. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی قدس سره، ۱۴۱۳.
- [۱۰] م. ب. صدر، بحوث فی علم الاصول، سوم. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۴۰.

[۱۱] م. ک. آخوند خراسانی، کفایه الاصول، اول. قم: موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۲۹.

[۱۲] م. ب. صدر، دروس فی علم الاصول، پنجم. قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۰.

[۱۳] م. شیخ انصاری، فرائد الاصول، پنجم. قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم، ۱۲۸۱.

[۱۴] م. ک. آخوند خراسانی، فوائد الاصول، اول. قم: جامعه مدرسين، ۱۳۵۵.

